

مقدمه

تشیع عراق را باید با این سخن ابوبکر خوارزمی (م ۳۸۳) آغاز کرد که در رسائل خود و در نامه ای که به شیعیان نیشابورنوشته، «تشیع را پدیده ای عراقی» می داند (رسائل: ۱۶۴-۱۶۵). این سخنی منصفانه است. نه مکه و نه مدینه، منهای یک نسل اقلیت از اصحاب پیامبر (ص) مانند ابوذر و سلمان و عمار و مقداد که شیعیان خالص بودند، شیعه ای نداشت و تشیع، در کوفه زمان امام علی (ع) خود را آشکار ساخت. تعداد بیشماری از محدثان کوفی شیعه بودند و میراث تشیع را حفظ و حراست کردند و زمانی که بغداد در نیمه قرن دوم ساخته شد، تشیع را به آن شهر منتقل کردند.

تشیع کوفه چنان نیرومند بود که شهری مانند قم که شیعیان اساس آن را از روز نخست گذاشتند، به عنوان «کوفه کوچک» می شناختند.

بطاطو محقق معاصر عراقی (العراق: ۶۱/۱) می نویسد: منطقه ای که آن زمان عراق نامیده می شد، منهای بغداد و مناطق شمالی آن، دقیقاً همان است که اکنون به عنوان زیستگاه شیعه در این کشور می شناسیم. قلب آن سرزمین، همین فرات میانه است. ریخته شدن خون حسین در سال ۶۸۰/۶۱ بذر تشیع را در آنجا پاشید. دولت آل بویه که یک خاندان فارسی شیعی بودند، نقشی در به قدرت رسیدن آل مزید داشت که از بنی اسد و از بصره بودند.

خاندان مشعشی ها را هم نباید فراموش کرد که از حوالی بغداد تا خلیج را در نیمه های قرن پانزدهم میلادی در اختیار داشت (و در زمان آنان، جنوب عراق منهای بصره، به طور اساسی شیعه بودند). همچنین نباید از یاد برد که با تغییراتی که در مسیر آب های دجله و فرات داده شد، شهرهای کهنی مانند واسط و مدائن از بین رفت و شهرهای جدیدی مانند العماره و ناصریه پدید آمد. عشایر قدیمی افول کردند و عشایر تازه ای که از شبه جزیره عربستان آمده بودند، در وادی ها مستقر شدند و در میان این دگرگونی ها و بی ثباتی ها، آنچه خود را نشان می داد بر آمدن رنگ تشیع در این منطقه بود.

تشیع در جنوب عراق ریشه بسیار کهن دارد و به ویژه ساکنان مناطقی حد فاصل بصره تا العماره و از آنجا تا حوالی بغداد، تشیعی بسیار دیرین دارند. برای مثال وقتی یاقوت از منطقه المذار یاد کرده می نویسد: «آنجا جایی میان واسط و میسان و اهالی آن از امامیه هستند (و اهلها کلهم شیعه غلاة)» (معجم البلدان: ذیل مدخل مذار). نقطه دیگر در این منطقه شهر نعمانیهاست. یاقوت در اوائل قرن هفتم درباره آن نوشته است: «شهرکی است میان واسط و بغداد در نیمه راه تابع

«الزباب الاعلی» قصبه ای است و «اهلها شیعةً غالیةً کلهم» مردمان آن همگی شیعه غالی هستند و کسانی از اهل ادب به آنجا منتسب اند» (معجم البلدان: ذیل مدخل نعمانیه).

مدائن که امروز سنی نشین شده و سنیان افراطی آن، شیعیان منطقه را قتل عام کرده و طی سال ۲۰۰۵ بارها چند ده نفر را سربریده و اجسادشان را در رودخانه انداخته اند، از دیر زمان بر مذهب تشیع بوده است. قزوینی در قرن ششم نوشته است: اهالی آن کشاورز و شیعه امامی اند (آثار البلاد: ۴۵۳). حسن بن محمد بن حمدون بغدادی از شیعیان مدائن بود که در سال ۶۰۷ درگذشت و جنازه اش را به کاظمین آورده آنجا دفن کردند. عبدالحمید بن ابی المعالی محمد خطیب مدائنی (م ۵۹۸) از شیعیان مدائن است که در مشهد امام حسین مدفون شد (التکملة منذری: ش ۶۷۶). علی بن احمد بن اسکندر مدائنی نیز با تعبیر «غال فی التشیع» وصف شده است (معجم اعلام الشیعة: ۲۷۷).

شیعیان عراق در سه بخش مهم عراق در قالب اکثریت یا اقلیت، سکونت دارند:

بخش اول: از این سه منطقه که در ضمن بالاترین جمعیت را دارد و ساکنان آن شیعه هستند، منطقه ای است شامل استان های جنوبی بغداد مانند کوت، حله، دیوانیه، ناصریه و العماره. این منطقه به لحاظ نژادی منطقه ای عرب نشین است و تنها، اقلیت های ایرانی را در بصره و نجف و کربلا باید از آن استثنا کرد. البته تشیع در آنها صد در صد نیست چرا که گهگاه در این گوشه و آن گوشه، منطقه های کوچک سنی نشین هم هست؛ اگرچه این جوامع به لحاظ حجم بسیار کوچک اند. در بصره شمار اندکی از اهل سنت زندگی می کنند؛ چنان که نیمی از ساکنان شهرک الزبیر هم سنی اند.

بخش دوم: وادی فرات در شمال بغداد است که عربها در آن زندگی می کنند. همین طور وادی دجله از بغداد تا موصل که همگی سنی هستند و اقلیت های شیعه هم در منطقه بلد و دجیل در نزدیکی سامرا وجود دارد. در اطراف این منطقه، اما نه چندان دور، و در واقع میان این منطقه و منطقه سوم که شرحش خواهد آمد، در امتداد راه برید قدیم بغداد - موصل - استامبول، منطقه ترکمانان از جمله تلّعفر - نزدیک موصل - و داقوق و طوزخورماتو و قرّه تپه قرار دارد که ساکنانش شیعه اند. همین طور در التون کوبری و کرکوک و کفری که کرد سنی هستند، تعداد زیادی ترکمان شیعه زندگی می کنند. در کرکوک نیز شماری ترکمان شیعه وجود دارد.

بخش سوم: شامل محدوده هلال جبل کردی است که باران های شمال و شمال شرق عراق آن را سیراب می کند. اکثریت ساکنان این منطقه نیز سنیّ اند، با این تفاوت که در دوران پادشاهی، در این منطقه ادیان باطنی و صوفی فراوان بود. در قرن نوزدهم بغدادی ها زیر لوای تصوّف عبدالقادر گیلانی با آنان به معارضه پرداختند. اقلیتی از شیعه در این منطقه نیز سکونت دارد.